

## در باره فرامرز پایور

### خاطره يك عمر مهر و تلاش



نمای مهر

فرامرز پایور متولد ۱۱/۲/۱۳۱۱ / تهران

- تحصیل در مدرسه دارالفنون

- تحصیل زبان انگلیسی در دانشگاه آکسفورد

- بهره مند از محضر استادان قدیم دستگاهی ایران همچون ابوالحسن صبا، عبدالله دوامی، نورعلی برومند...

- تألیف متد آموزشی سنتور از پایه تا دوره عالی

- تأسیس گروه اساتید

- اجرا و ضبط دهها اثر گروهی و تکنوازی

فرامرز پایور یکی از مهمترین نوازندگان سنتور و چهره های آموزش موسیقی دستگاهی ایران است. «مهرگان» امروز به شرح زندگی او می پردازد:

سید علیرضا میر علی نقی: اگر سؤال شود که ادبیات ویژه سنتور در پنجاه سال گذشته، با نام و آثار چه کسی تعریف می شود، بی تردید تنها نام فرامرز پایور به زبان می آید. فراتر از يك استاد موسیقی و پایدارتر از يك معمار خستگی ناپذیر، بنای سنتور نوازی معاصر را معماری کرده است. او نماینده تنهاگرایش سنتورنوازی در عصر خود نبوده است، همزمان با او نوازندگان دیگری هم بودند و هستند و هرکدام ارزشهای متفاوتی را در این ساز کشف کرده اند که به غنای رپرتوار این ساز و برداشتهای متنوع از آن می افزاید. اما هیچ کدام مانند فرامرز پایور، فرهنگساز و مؤلف و معلم نبوده اند. این خصوصیات برجسته، اکنون که پنج سال از بیماری جانکاه و بستری شدن دائم الاوقات این استاد پرکار و خستگی ناپذیر می گذرد، بیشتر خود را نشان می دهد.

فرامرز پایور، بنیانگذار و معمار گرایش مسلط سنتورنوازی امروز، بویژه در بعد ارکسترال و بعد آموزشی است. بررسی مختصات موسیقی و وضعیت سنتور در عصری که او آموختن موسیقی را آغاز کرد، بسیار ضروری است و تا به حال کسی این کار را نکرده است. در این صورت است که معلوم می شود او چه کار مشکلی را انجام داده و فواید آن برای چندنسل هنرجوی سنتور چه امکاناتی را به ارمغان آورده است. بررسی این مسیر پریپیچ و خم، بررسی مسیر زندگی هنری اوست؛ و بدون این بررسی جزء به جزء و تنها با «نتیجه خواری» و فهرست کردن آثار او - که حجم غیرقابل باوری دارد - این حق ادا نمی شود. پایور نوجوان در سال ۱۳۲۸ به کلاس استاد ابوالحسن صبا رفت. پیش از این، مدتی کوتاه را نزد آقای «روشن»، مقدماتی را آموخته بود. وی هنوز زنده است و در آمریکا به سر می برد. آغاز کار موسیقی برای او به معنی آغاز عصیان در خانواده بود. خانواده ای اصیل و ریشه دار که مثل خانواده صبا، موسیقیدان شدن را برای فرزندشان نمی پسندیدند

و پایور نوجوان مجبور بود با سماجت و پایداری راه خود را باز کند. در این خانواده، پدر بزرگ او مصورالدوله از نقاشان قابل عصر قاجار بود و پدرش، علی پایور از مشهورترین معلمین زبان فرانسه در دبیرستانهای معروف تهران که شیوه تعلیم و تدریس او زبازد جامعه فرهنگیان بود. زنده یاد، دکتر امیرحسین جهانبگلو دانشمند و اقتصاددان فقید در نامه ای به فرزندش رامین (که اکنون از چهره های مشهور و شناسندگان فلسفه معاصر جهان در ایران است)، از خصوصیات برجسته علی پایور در رفتار و گفتار و سرولباسش می نویسد و اضافه می کند: «من هرچه در زبان فرانسه بلدم از او بلدم. او آدمی بود که درکارش واقعاً مایه می گذاشت». می توان به راحتی این خصوصیات را در مورد روش زندگی و کار فرامرز پایور نیز نوشت و از درستی آن اطمینان داشت.

سایر اعضای خانواده پایور نیز در زمینه فرهنگ و هنر نام آور بوده اند: همایون پایور فیلمبردار و نیز زنده یاد مهندس امیر پایور، پدر او که بازیگر قابل در سینمای بعد از انقلاب بود و دی ماه ۱۳۸۲ در ۹۱ سالگی درگذشت. یکی از منتقدان درباره او نوشته: «منزل مهندس پایور درسالهای بعد از کودتای ۱۳۳۲ پناهگاه نوجوانانی بود که دنبال منابع ادبیات و موسیقی کلاسیک جهان می گشتند و در خانه او، اینها را پیدا می کردند.»

فرامرز پایور مانند همه افراد پیشرو و آغازگر، به خود تکیه کرده و هرگز از ریشه های خانوادگی خود سخن نگفته و اگرچه نفوذ تربیت خاندان های قدیمی ایرانی در رفتار و کردار او بارز بوده است.

| هنگامی که پایور نوجوان - ۱۷ ساله - برای فراگیری سنتور به کلاس درس استاد ابوالحسن صبا در خیابان ظهیرالاسلام رفت، آخرین بازمانده سنتورنوازان افسانه ای از نسل قدیم، استاد حبیب سماعی (۱۳۲۵ - ۱۲۸۰)، سه سالی بود که دیگر نبود، با مرگ او انگار آخرین چشمه جوشان هنر بداهه نوازی و تکنیک های اصیل سنتور در عصر قاجار، خشکیده و از بین رفته بود.

صرف نظر از چند شاگرد و معاشر گوشه گیر که در موسیقی حرفه ای نبودند (نظیر نورعلی برومند، قباد ظفر و مرتضی عبدالرسولی)، استاد ابوالحسن صبا تنها موسیقیدانی بود که معاشرت دائمی و هوشمندانه ای با استاد حبیب سماعی داشت و بهتر از هرکس دیگری ارزشهای ذاتی او را می دانست. سماعی نیز حرفه موسیقی نداشت و در ارتش کار می کرد و اگر تشویق های روح الله خالقی و ابوالحسن صبا نبود، هیچ انگیزه اجتماعی و فرهنگی برای حفظ سنتورنوازی بعد از خود نداشت. با این حال، موقعیت انحصاری و توانایی های شگفت انگیز و «افسانه ای» او در تک نوازی و بداهه سرایی، باعث شده بود که موسیقیدانان فرهنگساز آن عصر (خالقی و صبا) به هر ترتیب که می توانستند از او بهره می گرفتند و به فعالیتهای دیگری غیر از «گرمی بخشیدن به محفل دوستان» تشویقش می کردند. در این بین استاد ابوالحسن صبا که در دوره نوجوانی، سنتورنوازی را در محضر علی اکبرخان شاهی آموخته و با تکنیک و گرایشی متفاوت با روش خاندان سماعی (سماع حضور) در سنتور آشنا بود، وقتی به حبیب برخورد، عیار هنری و تفاوت های نهفته در تکنیک نوازندگی او را برتر از روش استاد پیشین خود یافت و با اخلاص غریبی که انگار تنها در هنرمندان آن نسل دیده می شد، برای مدتی تمام نیرو و وقت و امکانات خود را در اختیار او گذاشت و مشکلات برخاسته از خلق و خوی بسیار حساس و عجیب دوست خود را با بردباری تحمل کرد. محصول این ریاضت و سلوک شاق، درک و حفظ فنون در زندگی حبیب و نت نویسی پاره ای از بداهه نوازی های درخشان او بود که با تغییراتی در کتابهای آموزش سنتور استاد ابوالحسن صبا، نوشته شده و جای بحث مفصلی دارد که این جا نیست.

نه تنها پس از مرگ استاد سماعی، بلکه در همان زمان حیات او که صدای سنتورش از رادیو تهران برای مدتی کوتاه پخش شد، مردم را به این ساز فراموش شده متوجه کرد و با دسترسی نداشتن به استاد مناسب، دیمی ساختن و دیمی نواختن سنتور، تبدیل به موجی همه گیر شد. نه تنها فوت و فن صحیح سنتورسازی و زیباییشناسی خاص سوتوریتیه این ساز بلکه تکنیک صحیح نوازندگی نیز در معرض خطر جدی بود و با مرگ حبیب، دفتر سنتورنوازی و ریتم برای همیشه بسته شده و

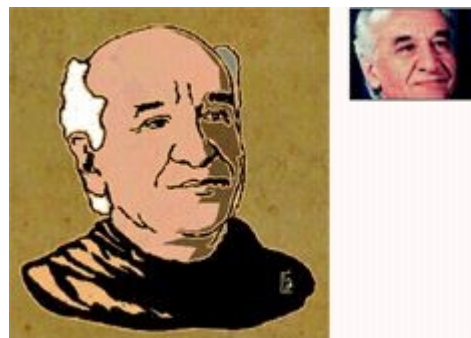
استاد صبا این را بهتر از همه می دانست. او در آن سالهای بعد از حبیب، تنها موسیقیدانی بود که برای زنده نگهداشتن این ساز تلاش می کرد و گویا راه را در این می دید که تکنیک نوین (قریب به موازین هنری و زیباشناسی موسیقی دستگامی ایران) و جایگاه نوینی برای این ساز، کشف شود و از طریق آموزش مداوم، پایدار بماند. عقیده نویسنده این یادداشت، بر این است که استاد صبا با دیدن فرامرز پایور نوجوان، فرد مورد نظر خود را یافت و همه می دانند که استاد صبا در شناخت افراد و استعدادشان هیچ وقت اشتباه نمی کرد.

| فرامرز پایور در محضر استاد صبا فقط موسیقی نیاموخت، با يك «تلقی سطح بالا» و رفیع از مقوله «فرهنگ» و «شخصیت» روبرو شد و این اکسیر را شاید جز در خانه استاد صبا در هیچ کلاس و یا خانه اساتید موسیقی وقت پیدا نمی شد. صباح بزرگ مردی بود که با اعتقاداتش زندگی می کرد و جوهره معرفت شناسی هنرمندان قدیم ایرانی را نه تنها در موسیقی بلکه در تمام سلولهای حیات شبانه روزی اش جاری کرده بود. برای هفت سال - تا زمستان ۱۳۳۶ که صبا زندگی را به دورود گفت خانه شماره ۹۲ در خیابان ظهیرالاسلام، قبله پایور جوان شد و در این خانه با سه نسل از بهترین موسیقیدانان ایران قرن حاضر ملاقات کرد و با صبا به خانه های آنان رفت: نسل پدربزرگها (حاج آقا محمد، طاهرزاده، دوامی، حسام السلطنه و...)، نسل پدران (رکن الدین خان مختاری، حسین تهرانی، ادیب خوانساری و...) و نسل معاصران خود (نظیر رحمت الله بدیعی که بهترین شاگرد ویولون صبا بین جوانها بود و به او لقب «صباکوچولو» را داده بودند). طولی نکشید که نظم و پشتکار و عشق توفانی پایور به کار موسیقی، از او يك نوازنده چیره دست ساخت که در غیاب استادش شاگردان را راه می انداخت و در سفرها و در رادیو همراه او برنامه اجرا می کرد. می توان گفت بعد از او بود که شاگردان کلاس سنتور استاد ابوالحسن صبا زیاد شدند و هنرمندانی نظیر داریوش ثقفی، محمد حیدری، منوچهر صادقی و... که آخرین نسل از شاگردان صباهستند علاوه بر استاد، از راهنماییها و نظارت دقیق شاگرد برگزیده اش، فرامرز پایور بهره گرفتند و رشد کردند. با هر کدام از آنها که گفت و گو شد، این مطلب را به یادآورده اند. حتی زنده یاد حسین ملک که از فرامرز پایور ده سالی مسن تر بود و زودتر از همه نزد صبا سنتور آموخته و به تدریج روش کاملاً فردی خود و دور از روش استادش را برگزیده بود، تا سالهای سال هنگام سفرهایش به خارج از کشور، اداره کلاسهایش را به پایور جوان می سپرد. سایر موسیقیدانان نیز به او و اخلاق حرفه ای او اعتماد داشتند.

خدمت فرهنگی بزرگی که او در سنین زیر سی سال به راهنمایی استادش به انجام رساند، برگزاری جلسات نشست متوالی با استاد ردیف دان، عبدالله دوامی بود. به قصد نت نویسی ردیف آوازی و تصنیفهای قدیمی او، که صبا ارزش این کار را برای آیندگان به خوبی می دانست و با بصیرتی عمیق می دید که شاگرد برگزیده اش می تواند آن را تعهد کند. این مجموعه نفیس نت نویسی شده، البته بدون نوارهایش، با وقفه ای چهل ساله منتشر شد! استاد پایور علت این وقفه را «گرفتاریهای فراوان آموزشی و اجرایی» می داند. این جمله را در روز برفی ۲۹ آذر، ۱۳۷۹ هنگامی که با چهره ای افسرده مراسم چهلمین سالگرد استاد صبا در گورستان ظهیرالدوله را ترک می کرد، در پاسخ نویسنده این یادداشت، گفت و اکنون بعد از شش سال، نه نوارهای این مجموعه و نه مجموعه نوارها و نتهای آثار رکن الدین مختاری منتشر شده است که پایور در سالهای جوانی با نظم و علاقه، آنها را ضبط و نت نویسی کرده بود.

سالهای ۱۳۵۸ - ۱۳۳۸ برای او سالهای کار خستگی ناپذیر روی صحنه بود. او اولین سنتورنوازی بود که روی سنتور نواسازی می کرد و تنها در پی بدیهه نوازی نبود. به بیان روشن تر، تنها آهنگسازی بود که ساز تخصصی او، سنتور بود! دهه های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ عصر ویولون بود و تقریباً تمام نواسازان و قطعه نویسان و تنظیم کنندگان موسیقی ایرانی (به جز جوادمعروفی)، باساز تخصصی ویولون شناخته می شدند. جالب اینکه ساز دوم استاد پایور، سه تار بود و مشقهای اولیه آن را از صبا فراگرفته است ولی جز در خلوت خود در جای دیگر دست بر سه تار نبرد و این برخلاف رسم همیشگی نوازندگان است که اگر ساز اولشان کششی باشد، ساز دومشان مضرابی است و برعکس و جالب تر این که استاد پایور کتاب

مستقلی برای قطعات مجلسی ویژه اجرا با ویولون او عژک و کمانچه نوشته که در نوع خود بسیار قابل استفاده است. او در این سالهای پرکار، هارمونی و کمپوزیسیون را در کلاس استاد بزرگ عصر، امانوئل ملیک اصلانینان آموخت و ترجیح داد برای ادامه تحصیلات کلاسیک خود که سالها پیش، عشق موسیقی آن را کنار زده بود، به انگلستان برود. با همان پشتکار همیشگی درس خواند و از دانشگاه کمبریج در زبان و ادبیات انگلیسی دانشنامه گرفت و در تمام این سالها از معرفی موسیقی و سنتور و فرهنگ ایرانی به محافل دانشگاهی انگلستان، غافل نبود و برنامه های دلپذیری از آن سالها در آرشیو رادیو بی بی سی وجود دارد.



در آن بیست سال کار شدید و شبانه روزی، فرامرز پایور که به تعبیر دوست و دوستدار سالخورده اش محمد علی امیر جاهد «استادی جوان و قابل» شده بود، وظیفه فرهنگسازی و موسیقی پروری خود را با شوق و حوصله و نظمی شگفت انگیز انجام داد و به تعبیر شاگرد وفادارش، زنده یاد فرامرز کیارس، «یک تنه به اندازه ده نفر آدم فعال، کار کرد» و این اغراق نیست. با وجود مساعدت هایی که استاد پایور در زمان سلامتشان به نویسنده برای فهرست نویسی کل اجراها و فعالیت ها و آثارشان کردند هنوز نتوانسته اطمینان پیدا کند که به قطعیت رسیده و هر از چند گاهی، نکته ای پنهان مانده از تلاشهای شبانه روزی این قهرمان خستگی ناپذیر در عرصه موسیقی، پیدا می شود و شگفتی را مکرر می کند. با گردش سریع و بسیار گذرا شاید بتوان فعالیت های ایشان را در این چند جمله فشرد و خلاصه کرد: بیش از هزار و پانصد اجرای گروهی و فردی روی صحنه های داخل و خارج از کشور (با همه مشکلات توانفرسای ویژه این کار) آهنگسازی، تنظیم، تدریس صدها و صدها شاگرد از چهار نسل متوالی، نت نویسی قطعات قدما، حضور در هنرستان و هنرکده موسیقی ملی، اداره هنرهای زیبا و واحد موسیقی رادیو تلویزیون ملی ایران، نگارش کتب آموزشی (دومین «دستور سنتور» را بعد از زنده یاد حسین صبا او نوشت و تا کنون پر فروش ترین کتاب آموزش موسیقی در ایران بوده است)، نظارت بر کار گروههای دیگر و تصحیح آنها و کار با خوانندگان بسیاری که از عبدالوهاب شهیدی و شجریان، تا شهرام ناظری و حمید رضا نوربخش و علی رستمیان یار وفادار او در سالهای اخیر) جزو این فهرست هستند و کمتر کسی است که نداند استادپایور چه حس مسؤلیت و دقتی روی جوانان خواننده داشته و برای رشد آنها از سرمایه هنری و حیثیت خود هزینه کرده است و این نیز از اخلاق استادش صبا بزرگ به یادگار است. هر خواننده ای که با او و ارکسترش کار کرد، به نوعی از آبروی هنری رسید، کار کردن با او و «گروه اساتید» اسباب کسب اعتبار و افتخار بوده است. با وجودتنوع معاشران هنرمنداو از قدما تا نوازندگان امروز، او همواره دلخواه خود را همیشه از بین نخبگان برگزیده است: جلیل شهباز و هوشنگ ظریف (تار) رحمت الله بدیعی و اصغر بهاری (کمانچه)، حسن ناهید و محمد موسوی (نی)، حسین تهرانی و محمد اسماعیلی (تنبک). استاد به نواختن تنبک هم آشنا و تأثیر گرفته از استاد حسین تهرانی است و گاه در لحظات خصوصی و خلوت کلاس درس، برای شاگردان چند میزان نواخته و شعری را به لحن خوش با آنها همراه کرده است. طرفه اینکه هیچ گاه به دف علاقه ای نشان نداده و درکارهای ارکستری او صدای این ساز را نمی شنویم. نغمه پردازی او با سلیقه و دقت و «حس تداوم درونی» است و در آثار موسیقایی دهه های ۱۲۴۰ و ۱۳۵۰، تمیزترین صدای ارکستر ایرانی از آن اوست. در واقع، موسیقی استاد فرامرز

پایور، پلی بود بین میراث صبا و محجوبی و آن جریانی که جوانان موسیقیدان و تحصیلکرده در دانشکده هنرهای زیبا از اوایل دهه ۱۳۵۰ به راه انداختند و موسیقی امروز ما را الگو شدند. در فاصله زمانی بین دو، حدود پانزده سال، هیچ کس جز استاد فرامرز پایور، کار جدی و پیگیر در زمینه موسیقی اصیل انجام نمی داد و حق او در این مقطع تاریخی بر گردن فرهنگ ایران بسیار زیاد است.

استاد همیشه خلاق و همیشه آموزگار، فرامرز پایور، مردی است که با عشق به کار زندگی کرده و کار کردن تمام زندگی او بوده است. وفاداری به اصول حرفه ای، آداب دانی، احترام به اساتید و نظم پذیری، جزو «یاسا»ی تخطی ناپذیر زندگی او بود که هر کس نمی پذیرفت و یا در آن سستی می کرد، از حوزه او بیرون رانده می شد و تاوان محرومیت از دانش پرارزش استاد را می پرداخت. استاد پایور، هیچ وقت با موسیقی سر شوخی نداشت و به هیچ کس اجازه نمی داد که موسیقی و موسیقیدان اصیل را خوار و خفیف کند. وی حتی با کسانی که با موسیقی موسوم به مطربی با طعنه نگاه می کردند، برخورد داشت و می گفت هر نوع موسیقی - در جای خودش - قابل احترام است و کسی حق توهین به هنر و هنرمند را ندارد. بار تحقیقی که در عصر صبا بر پیکر موسیقی افتاده بود، عزم او را در یک عمر دفاع از موسیقی راسخ تر و راسخ تر کرد. حکایت‌های بسیار نکته آموزی از این برخوردهای استاد در ذهن اهل موسیقی مانده که بهتر است بنویسند و باقی بگذارند که هر کدام درسی است جوانان موسیقیدان ایران را.

| شایان توجه تر از همه، تعریف مستحکم و روشنی است که او از تکنیک سنتورنوازی در نیم قرن گذشته ارائه کرده است. نظام آموزشی او، بیشتر نوازنده دقیق و منظم «ارکستری» را تربیت می کند، نه بداهه نواز شوریده و شاعر. بدون تردید، راه رسیدن به هر شهود و خلسه ای در هنر، ابتدا از تربیت منظم و آگاهانه شروع می شود و بعد، این مرحله را پشت سر می گذارد تا به حد ظرفیت و استعدادش، به خلاقیت برسد. بسیاری از نوازندگانی که بعدها به داشتن شیوه و روش ابتکاری خود شهرت پیدا کردند، با آموزشهای پله به پله و سنجیده مکتب استاد فرامرز پایور - که خود برجسته ترین نمونه این مکتب و تکنیک درخشان آن است - آغاز کرده و سپس راه و روش دلخواه خود را یافته اند. همه آنها معترفند که مکتب و دستور استاد پایور مطمئن ترین منزل برای آغاز راه آموزش سنتور است.

## آغاز کار هنری

فرامرز پایور در ۲۱ بهمن سال ۱۳۱۱ در تهران به دنیا آمد. پدرش علی پایور، هنرمند نقاش و استاد زبان فرانسه در دانشگاه تهران و پدر بزرگش مصورالدوله، نقاش چیره دست دوره قاجار بود که با نواختن ویولن، سنتور و سه تار آشنایی داشت.

وی در سن ۱۷ سالگی، آموزش موسیقی را نزد استاد ابوالحسن صبا آغاز کرد و همچنین از محضر استادانی چون عبدالله دوامی و نورعلی برومند بهره برد. هنگامی که فرامرز پایور برای فراگیری سنتور به کلاس درس استاد ابوالحسن صبا در خیابان ظهیرالاسلام رفت، سه سال از درگذشت آخرین بازمانده سنتورنوازان افسانه‌ای از نسل قدیم، استاد حبیب سماعی، می‌گذشت. استاد ابوالحسن صبا که خود در دوره نوجوانی، سنتورنوازی را نزد علی اکبرخان شاهی و با تکنیکی متفاوت با روش خاندان سماعی فراگرفته بود، پس از مدتی معاشرت با حبیب سماعی، روش سنتورنوازی او را برتر از استاد پیشین خود یافت. بنابراین با تلاش فراوان پاره‌ای از بداهه‌نوازی‌های وی را نت‌نویسی کرد. سپس استاد صبا تلاش کرد تا با آموزش روش صحیح سنتورنوازی به تعدادی از شاگردانش، از منسوخ شدن روش سنتورنوازی نزدیک به موازین هنری و زیباشناسی موسیقی دستگاهی ایران جلوگیری کند. در همین دوران، فرامرز پایور، یکی از برجسته‌ترین شاگردان استاد صبا شد و تا سال ۱۳۳۶ که استاد صبا درگذشت، از آموزش‌های وی بهره برد.

## فعالیت حرفه‌ای

فرامرز پایور از سال ۱۳۳۳، فعالیت خود را در وزارت فرهنگ و هنر وقت و از سال ۱۳۳۷ تدریس سنتور را در هنرستان عالی موسیقی ملی آغاز کرد. او اولین سنتورنوازی بود که روی سنتور، نوا سازی می‌کرد و تنها در پی پدافه‌نوازی نبود. به بیان دیگر، اولین آهنگ‌سازی بود که ساز تخصصی او، سنتور بود.

او سپس هارمونی و کمپوزیسیون را در کلاس استاد بزرگ آن زمان، امانوئل ملیک اصلانیان آموخت. در سال ۱۳۴۱ برای ادامه تحصیلات کلاسیک خود، از طرف وزارت فرهنگ و هنر به انگلستان فرستاده شد. از دانشگاه کمبریج در زبان و ادبیات انگلیسی دانشنامه گرفت [۴] و در تمام این سال‌ها تلاش فراوانی در جهت معرفی موسیقی ایرانی و سنتور به محافل دانشگاهی انگلستان انجام داد که برنامه‌های دلپذیری از آن سال‌ها در آرشیو رادیو بی‌بی‌سی وجود دارد. در این سال‌ها، برای شناساندن موسیقی اصیل ایرانی، از طرف دانشگاه لندن و دانشگاه کمبریج از او خواسته شد تا کنفرانس‌هایی در این زمینه همراه با ساز خود ترتیب دهد. همه این کنفرانس‌ها با موفقیت انجام شد و از سوی این دانشگاه‌ها به دریافت جوایزی نائل گردید.

فعالیت‌های فرامرز پایور را در زمینه موسیقی می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

بیش از هزار و پانصد ساعت اجرای گروهی و فردی روی صحنه‌های داخل و خارج از کشور

آهنگ‌سازی و تنظیم قطعات فراوان موسیقی

تدریس صدها شاگرد از چهار نسل متوالی

نت‌نویسی قطعات فراوانی از پیشینیان

حضور در هنرستان و هنرکده موسیقی ملی، اداره هنرهای زیبا و واحد موسیقی رادیو تلویزیون ملی ایران

نگارش کتب آموزشی سنتور (دومین کتاب «دستور سنتور» را در ۱۳۴۰ [۵] بعد از زنده یاد حسین صبا نوشت که تاکنون پرفروش‌ترین کتاب آموزش موسیقی در ایران بوده است.)

نظارت بر کار گروه‌های دیگر و تصحیح آنها

کار با خوانندگان بسیاری از جمله عبدالوهاب شهیدی، استاد شجریان، محمود خوانساری، احمد ابراهیمی، خاطره پروانه،

سیما بینا، نادر گلچین، سروش ایزدی، شهرام ناظری، حمیدرضا نوربخش و علی رستمیان.

در واقع، تلاش‌های فرامرز پایور، پلی بود بین میراث صبا و محجوبی و جریانی که جوانان موسیقی‌دان و تحصیل‌کرده در دانشکده هنرهای زیبا از اوایل دهه ۱۳۵۰ به راه انداختند و الگوی موسیقی ایرانی امروزی شدند. در فاصله زمانی بین این دو، یعنی حدود پانزده سال، هیچ کس جز فرامرز پایور، کار جدی و پی‌گیر در زمینه موسیقی اصیل انجام نمی‌داد.

وی در اجراهای گروهی خود با تعدادی از نخبگان موسیقی ایرانی مانند جلیل شهنواز و هوشنگ ظریف (تار)، رحمت‌الله

بدیعی و علی اصغر بهاری (کمانچه)، حسن ناهید و محمد موسوی (نی)، حسین تهرانی و محمد اسماعیلی (تنبک) همکاری

کرده است. در دهه ۱۳۶۰ به همراهی جلیل شهنواز، علی اصغر بهاری، محمد موسوی و محمد اسماعیلی، «گروه اساتید» را

تشکیل داد و سرپرستی، آهنگ‌سازی و نوازندگی سنتور را در آن به عهده گرفت. این گروه، آثار ماندگاری با محمدرضا

شجریان و شهرام ناظری ارائه دادند.

آلبوم‌ها

شهرناز (فرامرز پایور، حسین تهرانی)

پرنیان (فرامرز پایور)

ضرباهنگ (فرامرز پایور، حسین تهرانی)

شهرآشوب (فرامرز پایور، حسین تهرانی)

دلنواز (فرامرز پایور، حسین تهرانی)  
کرشمه (اجرای آثار درویش‌خان با ارکستر)  
پریزاد (اجرای آثار درویش‌خان با ارکستر)  
دلکش (اجرای آثار درویش‌خان با ارکستر)  
دستگاه ماهور و سه‌گانه (فرامرز پایور، هوشنگ ظریف و محمد اسماعیلی)  
نغمه‌هایی در دستگاه شور و ماهور (ارکستر پایور)  
شور، چهارگانه، به یاد حبیب سماعی (فرامرز پایور)  
دستگاه همایون (فرامرز پایور، محمد اسماعیلی)  
رهاورد (فرامرز پایور، جلیل شهناز، محمد اسماعیلی)  
چهارباغ (گروه اساتید به سرپرستی فرامرز پایور، خواننده: علی رستمیان)  
ضرب اصول (فرامرز پایور، حسین تهرانی)  
حاصل عمر (پایور، بهاری، تهرانی)  
حکایت دل (گروه پایور، خواننده: علی رستمیان)  
پراکنده (در خارج از ایران به اسم «یادگاری» منتشر شده‌است)  
ارغوان (گروه پایور، خواننده: علی رستمیان)  
شب مهتاب (مجموعه تصانیفی که علی رستمیان با گروه پایور خوانده‌است)  
نوی دل  
بداهه‌نوازی نوا، راست پنجگانه (فرامرز پایور)  
رنگ شهر آشوب (فرامرز پایور)  
گروه‌نوازی  
گفتگو (اجرای آثاری از فرامرز پایور)  
پرده عشاق (گروه پایور، خواننده: محمدرضا نوربخش)  
سروش بهار (ساخته استاد فرامرز پایور، خواننده: بهرام باجلان)  
مویه (گروه دلنوازی با همکاری فرامرز پایور، جلیل شهناز، محمد موسوی)  
دل شیدا (ارکستر پایور، آواز اصفهان، خواننده: شهرام ناظری)  
کنسرت اساتید موسیقی ایران (گروه اساتید، آواز ابو‌عطا، خواننده: شهرام ناظری)  
لیلی و مجنون (گروه پایور، دستگاه شور، خواننده: شهرام ناظری)  
خلوت گزیده (گروه اساتید به سرپرستی فرامرز پایور خواننده: محمدرضا شجریان)  
کرشمه نرگس (فرامرز پایور، جلیل شهناز، محمد اسماعیلی)  
راز دل (گروه اساتید به سرپرستی فرامرز پایور خواننده: محمدرضا شجریان)  
انتظار دل (گروه اساتید به سرپرستی فرامرز پایور خواننده: محمدرضا شجریان)  
انتشار مجموعه‌ای از آثار پایور به پاس نیم قرن فعالیت هنری وی از سوی موسسه ماهور  
هفت پیکر  
آواز محمود کریمی (سنتور: فرامرز پایور، سه‌تار: داریوش صفوت)  
تنها یک خاطره (فرامرز پایور، محمدرضا لطفی)

تعدادی از برنامه‌های گلها با همکاری استاد فرامرز پایور: شماره ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۵۰، ۱۵۶،  
۱۵۸، ۱۶۲، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۰۲

و آثار بسیار دیگر

تألیف‌ها

دستور سنتور، ۱۳۳۵

سی قطعه چهارمضراب برای سنتور، ۱۳۵۱

هشت آهنگ اجرای سنتور، ۱۳۵۷

گفتگو، ۱۳۵۸

ردیف (چپ‌کوک) برای سنتور، ۱۳۵۹

دوره چپ‌کوک ردیف استاد صبا، ۱۳۵۹

فانوس، ۱۳۶۱

رنگ شهر آشوب، ۱۳۶۳

ردیف ابتدایی، ۱۳۶۷

رهگذر (دونوازی برای سنتور و فلوت)، ۱۳۶۸

ردیف و تصانیف استاد دوامی، ۱۳۷۵

مجموعه پیش‌درآمد و رنگ، ۱۳۷۷

سکته مغزی و خانه‌نشینی

فرامرز پایور، در سال ۱۳۷۸ دچار عارضه سکته مغزی شد و از آن زمان تا زمان مرگ نتوانست فعالیت هنری خود را ادامه دهد. با این وجود، در این سال‌ها، برخی آثار قدیمی وی با تنظیم مهرداد دلنوازی و خوانندگی سالار عقیلی و با تأیید او تهیه و اجرا شدند.

منابع: "ایران" و ویکیپدیای فارسی